

مجله اقتصادی

شماره‌های ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۴۰۰، صفحات ۹۵-۱۱۱

معمای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران (آیا مشوق‌های سرمایه‌گذاری مؤثر هستند؟)

احمد عزتی شورگلی

دکتری اقتصاد بین‌الملل و استادیار مؤسسه آموزش عالی آفاق

Ahmetezzati@gmail.com

یونس برومند

دکتری اقتصاد

y.brumand@yahoo.com

سرمایه‌گذاری موتور محرکه هر اقتصاد است، با این حال شروع هر سرمایه‌گذاری با هر مقدار و کیفیتی به معنای سرمایه‌گذاری مطلوب و مؤثر نیست؛ به نحوی که کیفیت سرمایه‌گذاری و اتمام به‌موقع آن از شروع سرمایه‌گذاری مهم‌تر است. آمار بانک جهانی نشان از آن دارد که نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در ایران در بین کشورهای جهان رقم بسیار بزرگی است؛ به نحوی که این مقدار در ایران نسبت به متوسط کشورهای پیشرفته، متوسط جهان و کشورهای با درآمد سرانه متوسط نیز بزرگ‌تر است. حال معمای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران بدین صورت مطرح می‌شود که کشوری با این نسبت سرمایه‌گذاری بالا چرا رشد اقتصادی و رفاه بالایی ندارد؟ حل این معما می‌تواند در گرو بررسی رشد نامتوازن بخش‌های مختلف اقتصاد ایران (خدمات، مسکن، صنعت و کشاورزی) در نتیجه درآمدهای نفتی و بیماری هلندی، بررسی نحوه تخصیص تسهیلات بانکی بین بخش‌ها، کیفیت سرمایه‌گذاری، طول مدت اجرای پروژه‌ها و مشوق‌های سرمایه‌گذاری باشد.

واژگان کلیدی: مشوق‌های سرمایه‌گذاری، معمای سرمایه‌گذاری، بیماری هلندی، بخش‌های اقتصادی.

۱. مقدمه

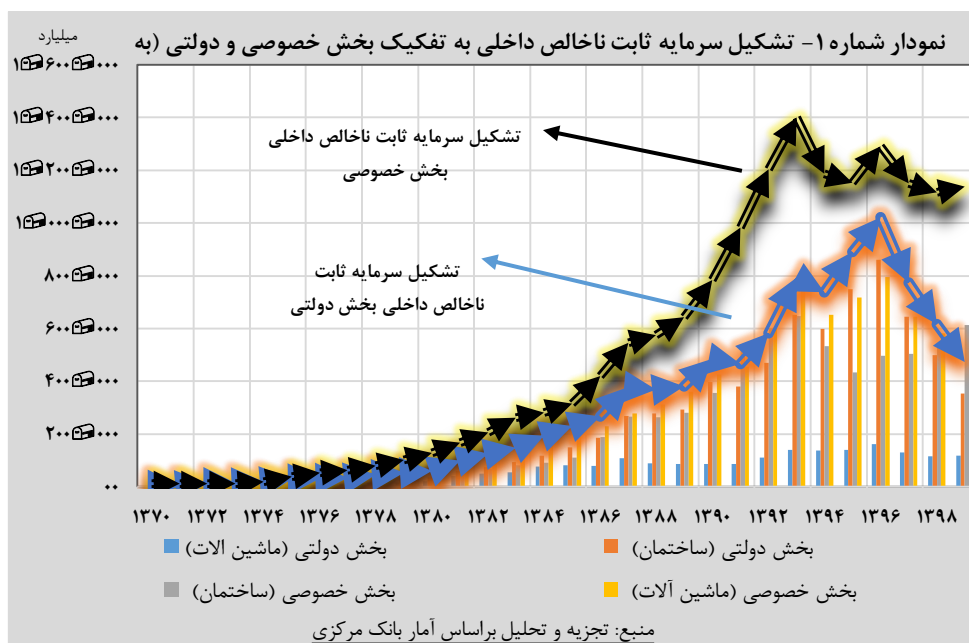
همه مکاتب اقتصادی، نقش بسزایی برای سرمایه (فیزیکی و انسانی) در تحریک موتور رشد اقتصادی قائل هستند، به نحوی که در الگوهای رشد نئوکلاسیک، سرمایه فیزیکی مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی تلقی می‌شود. با توسعه نظریه رشد درون‌زا در دهه ۸۰ میلادی برخلاف نظریه رشد نئوکلاسیک، نقش سرمایه در افزایش رشد اقتصادی صرفاً محدود به سرمایه فیزیکی نشد و نقش سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و تحقیق و توسعه نیز به آن اضافه گردید (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷). مقدار و نوع (کیفیت) سرمایه‌گذاری انجام‌شده در هر اقتصاد مسیر توسعه آن کشور را مشخص می‌کند. لذا قابل ذکر است که هر نوع سرمایه‌گذاری با هر کمیت و کیفیت مسیر تولید و توسعه را هموار نخواهد ساخت (شاگری، ۱۳۹۵: ۱۰۱). بنابراین سرمایه‌گذاری که دارای ماهیت بلندمدت است بایستی مبتنی بر افق‌های بلندمدت باشد و چنانچه توسط دولت انجام گیرد باید توسط دولتی باتدبیر و توسعه‌خواه انجام گیرد که مبتنی بر آمایش‌های دقیق و منطبق بر برنامه‌ریزی‌های توسعه باشد و از سویی چنانچه سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی انجام گیرد، دولت نیز با اتخاذ سیاست‌هایی به گونه‌ای این سرمایه‌گذاری‌ها را هدایت کند که منجر به رفاه و رشد اقتصادی شوند. لذا انجام هر نوع سرمایه‌گذاری چه توسط دولت و چه توسط بخش خصوصی که بدون برنامه، سیاست‌گذاری و اهداف بلندمدت باشد منجر به سرمایه‌گذاری‌های پراکنده، ناهماهنگ و بدون بستر نهادی خواهد شد.

با این حال، دولت‌ها با اعطای انواع امتیازات و ایجاد بسترهای تشویقی به دنبال ایجاد زمینه‌ای برای جذب سرمایه‌گذار داخلی و یا خارجی هستند. لذا فارغ از نوع سرمایه‌گذاری و کیفیت آن، روش‌هایی وجود دارد که با اتکا به آن می‌توان سرمایه‌گذار را به انجام سرمایه‌گذاری ترغیب کرد. این ابزارها که به مشوق‌های سرمایه‌گذاری معروف هستند با ایجاد یکسری مزایا، انگیزه شخص سرمایه‌گذار جهت انجام سرمایه‌گذاری افزایش می‌دهد. لذا گزارش حاضر از دو قسمت تشکیل شده است به نحوی که ابتدا شرایط اقتصاد ایران از حیث سرمایه‌گذاری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و در قسمت دوم نیز به معرفی چهارچوب مشوق‌های سرمایه‌گذاری و موارد موجود در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود. در قسمت آخر نیز یک جمع‌بندی کلی انجام خواهد گرفت.

۲. وضعیت سرمایه‌گذاری طی سال‌های اخیر اقتصاد ایران

قبل از پرداختن به بررسی موانع موجود سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران و نحوه برون‌رفت از آن بایستی یک دید کلی از وضعیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران داشته باشیم. وضعیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران به تفکیک بخش خصوصی و دولتی در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. همچنین در نمودار شماره ۲ نیز مقایسه‌ای از وضعیت ایران با گروه کشورهای مختلف جهان انجام شده است.

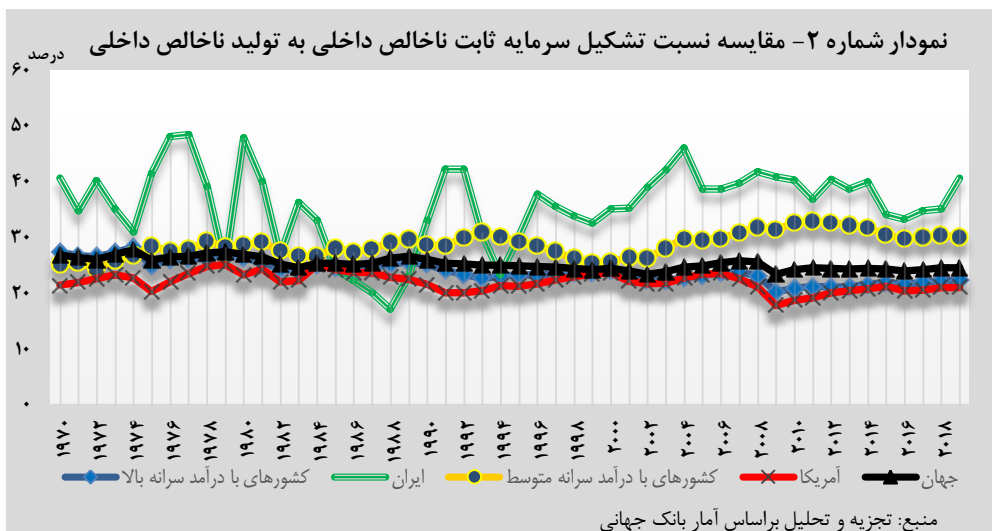
با توجه به نمودار شماره ۱، دو موضوع قابل استنباط است. ۱- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی طی سه دهه گذشته اقتصاد ایران توسط بخش خصوصی بیشتر از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی توسط دولت بوده است و این اختلاف رفته‌رفته زیاده‌تر شده است و از سال ۱۳۹۶ سرمایه‌گذاری در هر دو بخش رو به کاهش است. ۲- با تفکیک سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی در ماشین‌آلات و ساختمان مطابق با نمودار شماره ۱ مشخص است که بیشترین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی به ترتیب مربوط به ماشین‌آلات و ساختمان‌ها است.



روند نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی در نمودار شماره ۲ حاکی از آن است که اولاً؛ این نسبت در اقتصاد ایران دارای نوسان زیاد است و دارای ثبات نیست.

ثانیاً؛ این نسبت از متوسط جهان زیادتر بوده، حتی این نسبت در اقتصاد ایران نسبت به کشورهای با درآمد سرانه متوسط و حتی آمریکا بیشتر است. حال سؤال اصلی این گزارش بدین صورت است که چرا کشوری با این مقدار نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی نباید دارای رشد بالای اقتصادی و رفاه مطلوبی باشد؟ همان‌طور که در ابتدای این گزارش آمده است، هر سرمایه‌گذاری با هر مقدار و کیفیت متضمن رشد اقتصادی نخواهد بود. لذا در ادامه ۳ عامل مهمی که از کیفیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران می‌کاهد بحث می‌شود.

۳. مشکلات و موانع سرمایه‌گذاری در ایران

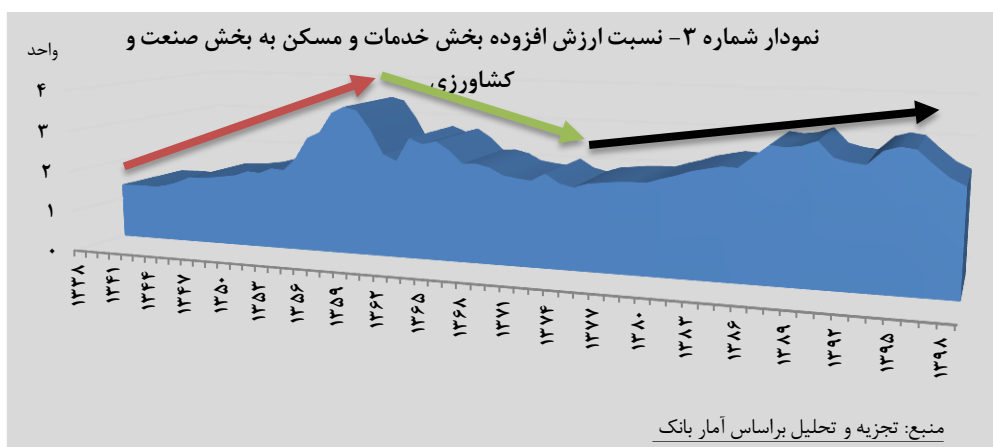


عامل اول: نقش نفت در اختلال بین بخش‌های اقتصادی

اقتصاد ایران یک اقتصاد متکی به نفت است که طی سال‌های اخیر و با تشدید تحریم‌های بین‌المللی با مشکلات زیادی مواجه بوده است. درآمدهای ارزی حاصل از نفت کارکرد صحیح نظام اقتصادی را مختل و رشد بخش‌های مختلف اقتصادی (خدمات، صنعت، کشاورزی و مسکن و خدمات) را نامتقارن و ناهمگن کرده است. وجود پدیده بیماری هلندی^۱ کاملاً در آن مشهود است (نتایج مطالعه

۱. بیماری هلندی یک اصطلاح اقتصادی مربوط به رکود بخش صنعت کشور هلند در دهه ۱۹۶۰ میلادی در پی اکتشاف گاز طبیعی است. این پدیده سعی در توضیح علت تضعیف بخش مولد و قابل مبادله اقتصاد (بخش صنعت و کشاورزی) در مقابل بخش غیر مبادله اقتصاد (مسکن و خدمات) را دارد، به نحوی که با افزایش شدید درآمدهای دولت در پی دستیابی به منابع طبیعی

شاگری و همکاران، ۱۳۹۲ نیز مؤید همین مطلب است، به نحوی که محققین مذکور نیز با ترسیم نمودار نسبت تولید بخش غیر قابل مبادله به تولید بخش قابل مبادله نشان دادند که در طی دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۸۰ شمسی که درآمدهای نفتی افزایش یافته است، این نسبت نیز با افزایش همراه بوده است که نشان از بیماری هلندی در اقتصاد ایران است)، به نحوی که با دقت در نمودار شماره ۳، از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۹ نسبت بخش غیرقابل مبادله (خدمات و مسکن) به بخش قابل مبادله (صنعت و کشاورزی) همواره بزرگ‌تر از یک بوده است. این به معنای بزرگ‌تر بودن بخش خدمات و مسکن نسبت به بخش صنعت و کشاورزی است. اما نکته قابل توجه این موضوع است که با افزایش شدید درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۲ (شوگ اول نفتی)، این نسبت شدیداً افزایش یافته و ارزش افزوده بخش خدمات و مسکن تقریباً دو برابر بخش قابل مبادله شده است. طی دهه ۶۰ شمسی این مقدار رو به کاهش بوده است اما طی سه دهه اخیر این نسبت به طور متوسط رو به افزایش بوده است.

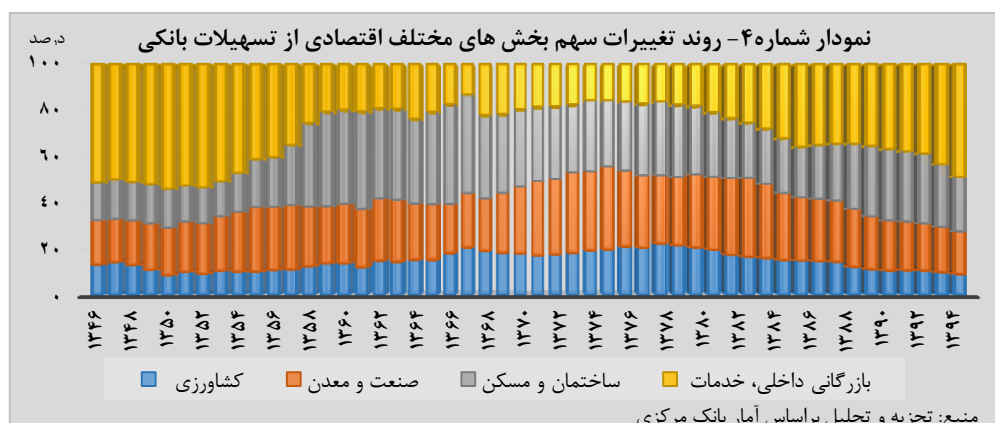


عامل دوم: نقش نظام بانکی در اختلال بین بخش‌ها

بیماری هلندی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در بزرگ‌تر شدن بخش غیر مولد در اقتصاد ایران نسبت به بخش مولد است، در نتیجه منابع هم به سمت بخش خدمات و مسکن سوق داده شده است.

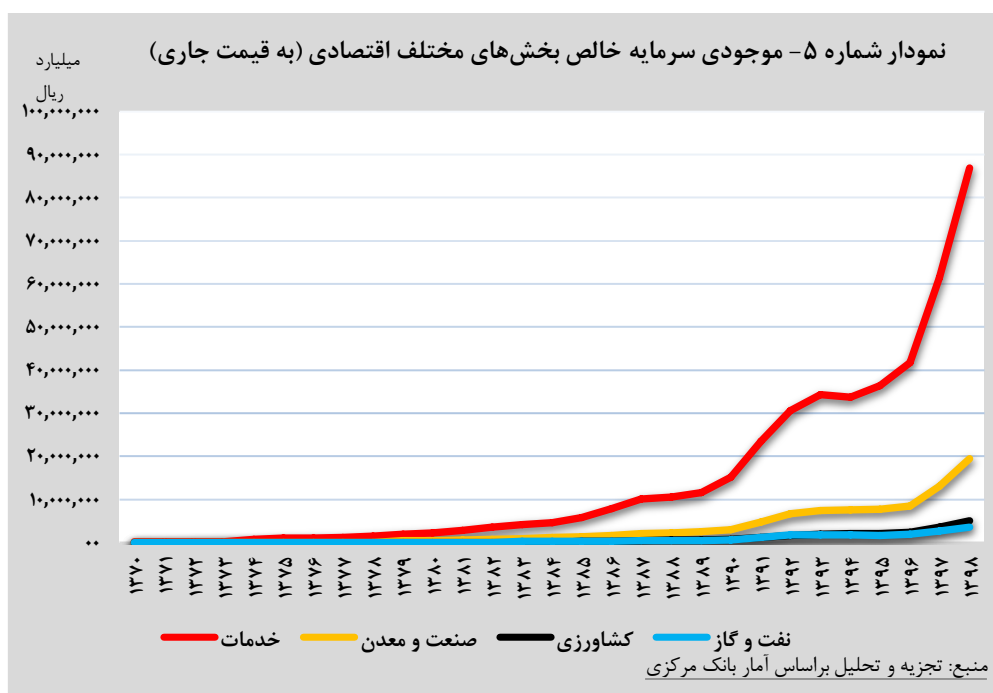
(نفت و گاز و ...) و تزریق این درآمد به جامعه و اقتصاد، تقاضا شدیداً افزایش می‌یابد. لذا دولت به عنوان متولی اقتصاد و با هدف کنترل قیمت‌ها دست به واردات کالاهای ارزان قیمت صنعتی و کشاورزی می‌زند تا با عرضه این نوع کالاها جوابگوی تقاضای جامعه باشد. بنابراین از آنجا که خدمات و بالأخص مسکن قابل واردات نیست، این دو بخش شدیداً با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. در نتیجه این فعل و انفعالات منابع از بخش صنعت و کشاورزی به بخش خدمات و مسکن منتقل می‌شوند.

نمودار شماره ۴ به خوبی مؤید این موضوع است به نحوی که با تشدید درآمدهای نفتی به طور مثال در سال ۱۳۵۲، نزدیک به ۵۰ درصد از تسهیلات بانکی در اختیار بخش خدمات قرار گرفته است. همچنین طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی سهم بخش صنعت و کشاورزی از کل تسهیلات بانکی رو به کاهش بوده و در مقابل، سهم بخش خدمات و مسکن از کل تسهیلات بانکی رو به افزایش بوده است. این بدان معنا است نظام بانکی اقتصاد ایران با در اختیار گذاشتن منابع مالی بیشتر در بخش خدمات و مسکن و کاهش سهم اعتبار به بخش صنعت و کشاورزی، در اختلال کارکرد و توزیع منابع بین بخش‌ها نقش مهمی داشته است. این در حالی است که در ایران تا قبل از برنامه چهارم توسعه در ابتدای هر سال سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی از مانده تسهیلات بانکی به بخش غیردولتی مشخص می‌شد. مصوب تسهیلات مذکور و عملکرد این تسهیلات نشان می‌دهد که میانگین تسهیلات مصوب بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ حدود ۲۸۶ درصد مربوط به بخش خدمات بوده، اما عملکرد میانگین درصد تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش خدمات طی سال‌های مذکور نشان از آن دارد که این مقدار برابر با ۱۸۰/۷۸ درصد است. این مقدار انحراف سیستم بانکی از نحوه توزیع مصوب تسهیلات بانکی بسیار قابل تأمل است. البته از سال ۱۳۸۷ سیاست بانک مرکزی در این زمینه تغییر یافت و الزام به رعایت نحوه توزیع تسهیلات بانکی به توصیه تغییر یافت. به طور مثال در سال ۱۳۹۰ توصیه بانک مرکزی به سیستم بانکی، توزیع تسهیلات به بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، مسکن و خدمات به ترتیب برابر با ۲۰، ۳۷، ۲۵ و ۸ درصد بود. اما عملکرد نظام بانکی حاکی از آن است که در سال مذکور میزان تسهیلات اعطایی به بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، مسکن و خدمات به ترتیب برابر با ۱۱، ۲۳، ۳۰/۵ و ۳۵/۵ درصد بوده است.



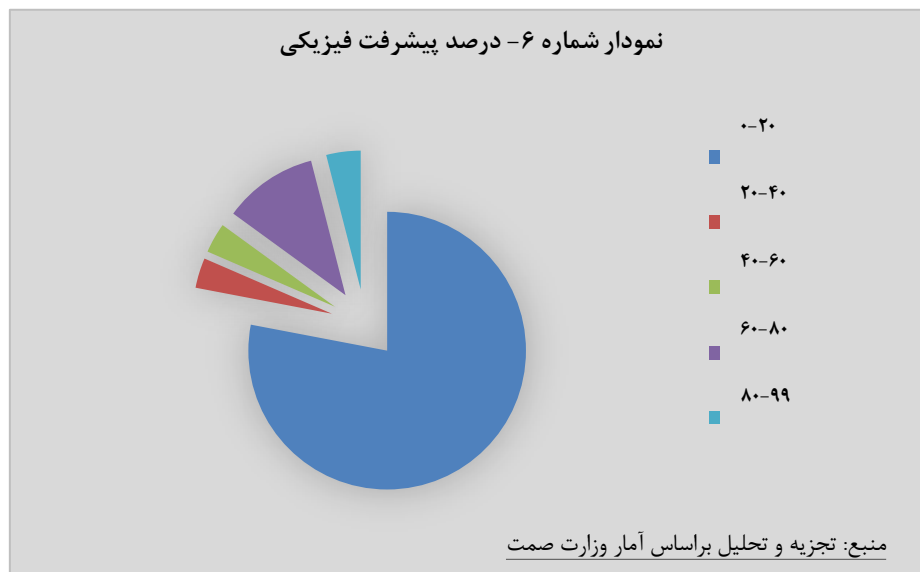
جمع‌بندی عامل اول و دوم: نتیجه مدیریت ناصحیح درآمدهای نفت و اختلال نظام بانکی در بین بخش‌ها

در دو قسمت قبلی نشان داده شد که به علت بیماری‌های هلدنی و درآمدهای حاصل از نفت رشد بخش‌های مختلف اقتصادی مختل شده است و این بخش‌ها به صورت نامتوازن و ناهماهنگ رشد کرده‌اند، به نحوی که بخش خدمات و مسکن به علت ارزش افزوده بالا نسبت به بخش صنعت و کشاورزی، رشد بیشتری را مخصوصاً طی دو دهه اخیر داشته است و منابع مالی بانک‌ها نیز عمدتاً در اختیار این بخش‌ها قرار گرفته است. ماحصل این فعل و انفعالات از دید موجودی سرمایه در نمودار شماره ۵ به خوبی مشهود است، به نحوی که طی سه دهه اخیر موجودی سرمایه بخش خدمات به مراتب بیشتر از سایر بخش‌ها است. لذا با سرریز شدن منابع به بخش خدمات موجودی سرمایه و انباشت سرمایه در این بخش نیز به شدت افزایش یافته است. به عبارتی دیگر بیشترین سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران مربوط به بخش خدمات است.



عامل سوم: طرح‌های در حال اجرا و کیفیت سرمایه‌گذاری

طبق نمودار شماره ۶ (بر اساس آمار منتشرشده توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت)، ۷۸ درصد از پروژه‌ها در حوزه صنعت، معدن و تجارت تا سال ۱۳۹۹ فقط صفر تا ۲۰ درصد پیشرفت داشته‌اند.



لذا با توجه به این آمار می‌توان استنباط کرد که دو عامل در طولانی شدن اتمام پروژه‌ها نقش مهمی دارند. ۱- تورم بالا، تحریم‌های شدید اقتصادی، افزایش و نوسانات شدید نرخ ارز در کنار کاهش شدید درآمدهای نفتی؛ ۲- عدم تأمین اعتبار به‌موقع پروژه‌ها به‌ویژه در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های شدید بین‌المللی. لذا در نتیجه این دو عامل، پروژه‌های زیادی در کشور از سالیان قبل شروع شده است، اما به مرحله بهره‌برداری نرسیده است و به صورت انباشته، منجر به بالا رفتن آمار پروژه‌های در حال اجرای سال ۱۳۹۹ شده است.

در جمع‌بندی این قسمت باید اذعان کرد که سرمایه‌گذاری در ایران طی سال‌های گذشته اگرچه نسبت به تولید ناخالص داخلی زیاد بوده اما چندان موفق نبوده است که یکی از مهم‌ترین دلایل آن توزیع نامناسب و ناهمگن سرمایه در بین بخش‌های مختلف اقتصادی است. عوامل بسیاری می‌تواند در این تخصیص نابهینه منابع نقش داشته باشند که از جمله می‌توان به نقش درآمدهای نفتی و بیماری هلندی، عملکرد ضعیف نظام بانکی، عدم ثبات اقتصادی ناشی از افزایش شدید سطح عمومی قیمت‌ها و نوسانات نرخ ارز و در نتیجه کاهش امنیت سرمایه‌گذاری به‌ویژه در بخش‌های

مولد و قابل مبادله اشاره کرد. یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در انتقال منابع به بخش‌های نامولد می‌تواند عدم وجود مشوق‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری باشد. به هر حال، در هر شرایطی لازم است انگیزه کافی از طریق مشوق‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد ایجاد شود تا علیرغم تمام موانع، بتواند سرمایه‌گذاران را تشویق به سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها نماید.

در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که اولاً وضعیت مشوق‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران چگونه است و ثانیاً آیا این مشوق‌ها از طراحی خوبی برخوردار هستند و جهت تشویق و تحریک سرمایه‌گذاری می‌توانند اثرگذار باشند و منابع را به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد سوق دهند؟

۴. مشوق‌های سرمایه‌گذاری

تقسیم‌بندی کلی از مشوق‌ها سرمایه‌گذاری

چهارچوب کلی مشوق‌های سرمایه‌گذاری در قالب جدول ۱ تشریح شده است. هر کشوری با توجه به استراتژی و سیاست‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری خود، مقررات مختص خود را جهت جذب سرمایه‌گذار تدوین کرده است. همچنین حمایت‌های مالی و مالیاتی دولت‌ها از سرمایه‌گذار نیز با همدیگر متفاوت است. اما چهارچوب کلی آن‌ها طبق جدول شماره ۱ است. در این زمینه نیز بایستی عنوان کرد که مشوق‌های سرمایه‌گذاری با همه مزایایی که در جذب سرمایه‌گذار دارد، می‌تواند معایبی هم داشته باشد. به طور مثال، صرف وقت و منابع مالی توسط سرمایه‌گذار جهت لابی کردن در بخش دولتی به منظور استفاده از مشوق‌ها، کاهش منابع بودجه دولت به علت معافیت و کاهش - های مالیاتی گسترده و تشویق سرمایه‌گذاری در یک بخش اقتصادی (به طور مثال صرفاً در بخش خاص صنعت) ممکن است بازار را با اختلال مواجه کند.

جدول شماره ۱- مشوق‌های سرمایه‌گذاری متداول در جهان

نوع مشوق	مثال
الف- مقرراتی	۱- معافیت از برخی شرایط محیطی.
	۲- معافیت از برخی قوانین و مقررات خاص.
	۳- معافیت از برخی الزامات عملکردی (به‌عنوان مثال محدودیت در تجارت و واردات، محدودیت در استخدام و الزام به استفاده از نیروی کار محلی، الزام به آموزش نیروی کار محلی، انتقال فناوری، الزام به انجام R&D)
	۴- معافیت برخی از معیارهای مالکیت زمین.
ب- کمک‌های مالی دولت	۱- یارانه‌های زیرساختی (زیر بنایی).
	۲- یارانه‌های آموزش شغلی.
	۳- حمایت‌های نقل مکان و مهاجرت.
	۴- مساعدت در امور اجرایی و اداری.
ج- مالی (مالیاتی)	۴- یارانه‌های موقت دستمزدی (وام و اعتبار برای سرمایه‌گذاران، یارانه املاک و مستغلات) (مربوط به هزینه‌های دستمزدی مشاور املاک)، مشارکت و کمک مستقیم و یا غیرمستقیم در هزینه‌های مربوط به بازاریابی، توسعه بازار، عرضه کالا و خدمات).
	۱- کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌ها.
	۲- معافیت‌های موقت مالیاتی.
	۳- مناطق دارای امتیازها و معافیت‌های خاص مالیاتی.
ج- مالی (مالیاتی)	۴- مشوق‌های افزایش انباشت سرمایه (۱- استهلاك سریع (Accelerated Depreciation) که به‌عنوان روشی جهت کاهش مالیات پرداختی شرکت‌ها تلقی می‌شود. ۲- اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری ۳- برگشت سود به چرخه سرمایه‌گذاری مجدد).
	۵- کاهش موانع در برخی مناطق جهت تشویق سرمایه‌گذار (۱- معاف از کسر مالیات از دستمزد کارمندان و کارگران، ۲- معافیت از مالیات صادرات و واردات و عوارض گمرکی، ۳- معافیت و یا کاهش مالیات بر درآمد کارکنان و کارگران، ۴- کاهش سایر مالیات‌ها از جمله مالیات بر فروش، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر دارایی).

منبع: دانیل و فورنیرس^۵ ۲۰۱۰

مشوق‌های سرمایه‌گذاری در ایران

انواع مختلفی از مشوق‌های سرمایه‌گذاری در چهارچوب قانون در اقتصاد ایران وجود دارد. با توجه به جدول شماره ۲ (در پیوست گزارش حاضر) مشوق‌های سرمایه‌گذاری در ایران به سه حوزه قابل تقسیم هستند. قسمت اول آن‌ها مربوط به مشوق‌های قانونی و مقرراتی است و قسمت دوم و سوم مربوط به مشوق‌های مالی دولت (بیشتر در زمینه مالیاتی و گمرکی) است. مشوق‌های سرمایه‌گذاری اولاً بایستی شفاف و ثانیاً منسجم باشند. مشوق‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران

متعدد هستند اما با مطالعه آن‌ها می‌توان دریافت که از انسجام خوبی برخوردار نیستند. تجربه کشورهای اروپایی از جمله ترکیه^۱ و اسپانیا^۲ نشان از آن دارد ابتدا این کشورها محیط جغرافیایی کشور را با توجه به درجه پیشرفت یا مناطق خاص و ویژه به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند و یا با توجه به سطح (کوچک، متوسط و یا بالا) فناوری و نوآوری که در فرآیند سرمایه‌گذاری لازم است، پروژه‌ها و نیازمندی‌های اقتصاد خود را مشخص کرده‌اند و در ادامه نیز به‌طور دقیق مشوق‌هایی که هر سرمایه‌گذار در هر منطقه و نوع سرمایه‌گذاری با آن می‌تواند مواجه شود را تعیین کرده‌اند. این در حالی است که در ایران یک چنین تقسیم‌بندی فنی و اقتصادی از پروژه‌ها انجام نشده است و هم‌چنین مشوق‌های اقتصادی بایستی واضح، ساده و مشخص باشند که به نظر می‌رسد مشوق‌های سرمایه‌گذاری در ایران عاری از یک چنین ویژگی‌هایی هستند. ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و عدم برخورداری این مناطق از مشوق‌های قانونی تعریف‌شده به دلیل ضعف در امکانات زیرساختی و همچنین تسری تصمیمات خلق‌الساعه و مقطعی سرزمین اصلی به این مناطق، از جمله این ناهماهنگی و تناقض در مشوق‌ها در کشور است. با مطالعه جدول شماره ۲ که یک جمع‌بندی از مشوق‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران است، سرمایه‌گذار صرفاً با یک سری قوانین بغرنج مواجه خواهد شد که در تصمیم‌گیری وی جهت سرمایه‌گذاری مؤثر نخواهد بود. این در حالی است که چنانچه مشوق‌ها به بخش‌های مختلف و با توجه به نوع فعالیت تقسیم‌بندی شوند از شفافیت و سادگی بیشتری برخوردار خواهند بود. به طور مثال، چنانچه ابتدا مشوق‌هایی عمومی که شامل همه بخش‌های اقتصادی است آورده شود و سپس مشوق‌هایی که در بخش کشاورزی (مشوق‌های بخش کشاورزی در حوزه صادرات، واردات و تولید هر یک به صورت مجزا)، بخش صنعتی (ابتدا مشوق‌های عمومی در حوزه صنعت و سپس مشوق‌های مخصوص هر بخش از صنعت به تفکیک حوزه صادرات، واردات و تولید داخلی به صورت جداگانه آورده شود) و بخش خدمات

۱. با مراجعه به سایت www.invest.gov.tr می‌توان اطلاعات سرمایه‌گذاری در کشور ترکیه را به طور دقیق مشاهده کرد، به نحوی که مزایا و مشوق‌های سرمایه‌گذاری برای هر بخش (کل کشور ترکیه به ۶ قسمت از بخش توسعه‌یافته تا کمتر توسعه‌یافته تقسیم شده است) تعریف شده است.

۲. با مراجعه به سایت www.investinspain.org اطلاعات نحوه سرمایه‌گذاری در کشور اسپانیا قابل مشاهده است. همچنین در هر بخشی از کشور، با توجه به نوع صنعت و با توجه به نوآوری لازم در پروژه‌ها، انواع مزایا و مشوق‌ها را معرفی کرده‌اند.

(مشوق‌های عمومی بخش خدمات و سپس مشوق مخصوص هر قسمت مختلف از خدمات، مانند خدمات گردشگری و ...) وجود دارد به تفکیک هر یک آورده شود. در یک چنین وضعیتی، سرمایه‌گذار بخش کشاورزی با مراجعه به مشوق‌های سرمایه‌گذاری در این بخش به سادگی با مشوق‌هایی که در این بخش وجود دارد آشنا خواهد شد و به راحتی تصمیم خود جهت سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی

بررسی روند نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان دو موضوع را مشخص می‌کند، ۱- این نسبت در ایران بسیار بالا است و ۲- این نسبت نوسانات بسیار زیادی دارد. لذا معمای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران بدین گونه مطرح می‌شود که کشوری با این نسبت بسیار بالای سرمایه‌گذاری باید دارای رشد اقتصادی و رفاه بالایی باشد. حل این معما در گرو بررسی روند رشد بخش‌های اقتصادی، ترکیب سرمایه‌گذاری، کیفیت آن و مباحث سیاسی است. بررسی ترکیب سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران نشان داد که بیشترین حجم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به تفکیک بخش دولتی و خصوصی مربوط به مسکن توسط بخش دولتی و ابزارآلات توسط بخش خصوصی است. در ادامه نقش چهار عامل مهم در حل معمای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفت. عامل اول: وجود پدیده بیماری هلندی و درآمدهای نفتی منجر به اختلال در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران شده است، به نحوی که بخش غیر مولد و غیرقابل مبادله (خدمات و مسکن) نسبت به بخش قابل مبادله و مولد (صنعت و کشاورزی) بزرگ‌تر شده است و ارزش افزوده بخش غیرمولد نسبت به بخش رقیب طی سه دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته است. عامل دوم: مربوط به سیستم بانکی است به نحوی که اعتبارات بانک‌ها هم بیشتر به سمت بخش غیرمولد اقتصاد سوق داده شده است. عامل سوم نیز مربوط به نبود ثبات اقتصادی، نوسانات شدید نرخ ارز، فعالیت‌های سوداگرانه و پربازده در بخش خدمات و مسکن و نبود مشوق‌های مؤثر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و صنعت است. لذا در نتیجه این سه عامل، موجودی سرمایه خدمات نسبت به سایر بخش‌ها شدیداً افزایش یافته است. عامل چهارم مربوط به کیفیت سرمایه‌گذاری و طول مدت پروژه‌ها است، به نحوی که بایستی اذعان کرد که در اقتصاد ایران حجم بزرگی از پروژه‌ها تکمیل نشده‌اند. آمار وزارت صمت مؤید

همین موضوع است. تا سال ۱۳۹۹، ۷۸ درصد پروژه‌ها در حوزه صنعت، معدن و تجارت صرفاً صفر تا ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند. این موضوع حاکی از آن است که اولاً، پروژه‌ها بدون ارزیابی‌های فنی، اقتصادی، برنامه بلندمدت و استراتژیک کشور برنامه‌ریزی شده‌اند، به نحوی که پروژه‌ها بیشتر به صورت شتاب‌زده و در قالب تصمیمات کوتاه‌مدت طراحی شده‌اند. ثانیاً، تورم بالا در کشور همراه با تحریم‌های اقتصادی و کاهش شدید درآمدهای نفتی و نوسانات شدید نرخ ارز به عنوان یک عامل مهم بر سر راه اتمام پروژه‌ها است، به نحوی که یا پروژه‌ها با گذشت زمان توجیه اقتصادی خود را از دست داده‌اند و به صورت نیمه‌تمام رها شده‌اند و یا به علت نوسانات نرخ ارز و تحریم‌های شدید اقتصادی، تهیه مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای اولیه جهت تکمیل پروژه‌ها با مشکل جدی مواجه شده است. لذا علت نوسان زیاد نسبت مذکور نیز مربوط به همین موضوع است.

قسمت دوم این گزارش به بررسی مشوق‌های سرمایه‌گذاری اختصاص یافته است. این مشوق‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی شامل ۱- مشوق‌های قانونی، ۲- حمایت‌های مالی و ۳- سیاست‌های مالی، مالیاتی و گمرکی دولت است. هر کشوری با توجه به اهداف خود انواع متعددی از مشوق‌های سرمایه‌گذاری را جهت جذب سرمایه و سرمایه‌گذار طراحی کرده است. تجربه کشورهای پیشرفته و کشورهای موفق در جذب سرمایه‌گذار حاکی از آن است که این نوع کشورها ابتدا توسط یک سازوکار دقیق و با یک ارزیابی و کارشناسی فنی، محیط جغرافیایی و اقتصادی کشور را به بخش‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند و یا پروژه‌ها با توجه به یکسری ویژگی‌ها به انواع مختلفی گروه‌بندی شده‌اند. در نتیجه، برای هر بخش از جغرافیای سیاسی و اقتصادی کشور مشوق مخصوص خود را در نظر گرفته‌اند و یا برای هر گروه از پروژه‌ها با توجه به نوع صنعت آن، مشوق مخصوص آن گروه از پروژه‌ها را طراحی کرده‌اند. این در حالی است که مشوق‌های سرمایه‌گذاری در ایران عاری از این نوع طراحی‌های فنی و اقتصادی است و بیشتر در لابه‌لای قوانین، بخشنامه‌ها، مقررات و تصویب‌نامه‌ها به صورت نامنسجم طراحی شده‌اند. در حالی که جهت اثرگذار بودن مشوق‌های سرمایه‌گذاری، بایستی این مشوق‌ها جامع، ساده و منسجم طراحی شوند و با توجه به هر بخش و نوع سرمایه‌گذاری، به گروه‌های مختلفی تقسیم‌بندی شوند.

در یک جمع‌بندی کلی بایستی عنوان کرد در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری با دو مشکل اساسی مواجه است.

۱. به علت درآمدهای نفتی، بیماری هلندی و یکسری ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران، بخش خدمات و مسکن ارزش افزوده بیشتری را نسبت به بخش‌های صنعت و کشاورزی دارا است و کارکرد ناصحیح نظام بانکی نیز بر این موضوع دامن زده است و منجر به سرریز شدن منابع به سمت مسکن و خدمات شده است. لذا موجودی سرمایه در بخش صنعت و کشاورزی به مراتب کمتر از بخش خدمات و مسکن است. حال مسئله این است که سرریز شدن منابع و سرمایه به این دو بخش چه مشکلی خواهد داشت. قابل ذکر است که نزدیک به پنجاه درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته همانند آمریکا و ژاپن مربوط به بخش خدمات است و بخش خدمات شاید مولدترین بخش در اقتصاد این نوع کشورها است. با این حال یک تفاوت اصلی در این میان است و آن مربوط به این موضوع است که اولاً کشورهای پیشرفته ابتدا به تولید انبوه و انقلاب بهره‌وری دست یافته‌اند و بعد از این مرحله بخش خدمات آنان گسترده شده است و ثانیاً چون خدمات آنان بر پایه بهره‌وری و فن آوری بالا است، همین موضوع منجر می‌شود که گسترش خدمات و بخش مسکن در این نوع کشورها کارکرد اقتصادی را با اختلال مواجه نکند و این بخش‌ها جزء بخش‌های مولد در این نوع اقتصادها به حساب آیند. اما در اقتصاد ایران بدون اینکه تولید انبوه و انقلاب بهره‌وری اتفاق بیافتد، بخش خدمات و مسکن بزرگ‌تر شده است و این دو بخش نیز به علت فعالیت‌های رانت جویانه، دلالی و واسطه‌گری‌های چندلایه، برخی انحصارات و ... به بخش‌های نامولد در اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند. بنابراین سرریز شدن سرمایه‌ها به این دو بخش نمی‌تواند منجر به رشد اقتصادی و افزایش رفاه شود.

۲. از سویی تعداد زیادی پروژه در بخش دولتی در حال اجرا هست و بسیاری نیز نیمه‌تمام رها شده یا گاهی اجرا نشده است و یا با سرعت بسیار کندی در حال پیشرفت است و این موضوع نیز موجب می‌شود نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در حساب‌های ملی و آمارنامه‌ها بالا باشد. این در حالی است که سرمایه‌گذاری یک جزء متغیر جریانی طرف تقاضا است و تا به

سرمایه تبدیل نشود و به طرف عرضه اقتصاد وصل نشود موجب افزایش تقاضا و تورم خواهد شد.

حال بایستی به این سؤال جواب داد که آیا مشوق‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند در بهبود کیفیت سرمایه‌گذاری و افزایش سرعت اتمام پروژه‌ها مؤثر باشند؟ این در حالی است که مشوق‌های سرمایه‌گذاری شرط لازم جهت جذب سرمایه‌گذار، افزایش کیفیت و سرعت اتمام پروژه‌ها می‌باشند، اما شرط کافی نیستند. لذا جهت مؤثر بودن مشوق‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران دو شرط لازم است. ۱- عامل اول که اهمیت بسیار زیادی دارد و نبود آن عامل دوم را نیز بی‌اثر می‌کند، مربوط به ثبات اقتصادی، ثبات سیاسی، کاهش نرخ ارز و ثبات نوسانات نرخ ارز، بهبود فضای کسب و کار، محدود کردن فعالیت‌های سوداگرانه و نامولد، ارزیابی فنی و کارشناسی پروژه‌ها است. عامل دوم: مربوط به نحوه طراحی و اجرای مشوق‌ها است. جهت اثرگذار بودن مشوق‌ها در اقتصاد ایران بایستی جغرافیای سیاسی و اقتصادی کشور به بخش‌های مختلف تقسیم شود و سپس مشوق‌ها بر اساس هر بخش یا صنعت و یا با توجه به گروه‌های مختلف پروژه‌ها تعریف شوند.

۶. راهکارهای پیشنهادی

- استفاده از سیاست‌ها و ابزارهایی که شدیداً فعالیت‌های نامولد در اقتصاد ایران را محدود کنند (حذف واسطه‌گری چندلایه به منظور کاهش فاصله میان قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده، شناسایی فعالیت‌های زائد، مزاحم و پردرآمد و وضع مالیات بالا بر رانت‌ها و فعالیت‌های رانت-جویانه جهت تشویق فعالیت‌های مولد و مایوس کردن فعالیت‌های نامولد و ...).
- تعریف مشوق‌های جامع و هماهنگ در راستای اهداف توسعه‌ای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در هریک از بخش‌های اقتصادی و متناسب با سطح توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور
- نظارت دقیق بر نحوه وام‌دهی بانک‌ها جهت توزیع عادلانه منابع بین بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر بخش کشاورزی و صنعتی).
- شناسایی، ارزیابی و علت‌یابی عدم اتمام تمامی پروژه‌های نیمه‌تمام، رهاشده و در حال اجرایی که بایستی در موعد مقرر به اتمام می‌رسیدند.

- ارزیابی دقیق اقتصادی، فنی و کارشناسی شده پروژه‌ها و جلوگیری از اعمال هرگونه فشار سیاسی توسط نمایندگان و دولتمردان.
- تدوین یک نقشه و برنامه جامع سرمایه‌گذاری کشور که فارغ از هرگونه فشار سیاسی و پارلمانی باشد. به نحوی که این برنامه و نقشه دارای سه افق کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشد و هر نوع سرمایه‌گذاری و پروژه در کشور بایستی در راستای اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برنامه سرمایه‌گذاری کشور باشد و استانداردهای این برنامه را دارا باشد.
- ایجاد یک بانک اطلاعاتی حاوی نیازمندی‌های هر صنعت، بخش و استان کشور با معرفی دقیق مشوق‌هایی که سرمایه‌گذار از آن بهره‌مند خواهد شد.
- حذف موانع دست و پاگیر و بروکراسی‌های اداری در جهت تسریع ایجاد یک کسب‌وکار، با هدف بهبود فضای کسب‌وکار.
- کاهش و ثبات نرخ ارز به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های ثبات اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار از طریق کاهش حجم نقدینگی، کاهش تورم و انتظارات تورمی.

منابع

- شاه‌آبادی، ابوالفضل، سهرابی وفا، حسین، سلمانی، یونس (۱۳۹۵). تأثیر انباشت سرمایه تحقیق و توسعه و سرمایه فیزیکی بر رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای ایران، ترکیه و مالزی، فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۶(۲۳)، ۷۵-۹۰.
- شاکری، عباس (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، تهران: انتشارات رافع.
- شاکری، عباس، محمدی، تیمور، ناظم‌ان، حمید، طاهرپور، جواد (۱۳۹۲)، بررسی رخدادهای بیماری‌های اقتصادی ایران و اثر آن بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۳، شماره ۵۰، ۶۳-۸۶.
- Daniel, K., E and Forneris. X (2010). Investment law reform: A handbook for investment practitioners. June. Investment Climate Advisory Services of the World Bank Group. Washington, D.C. The World Bank Group.